

چرا ادبیات؟

به سوی رویکردی بدیل در خوانش و

تدریس ادبیات

نویسنده: کریستینا ویشر برانز

ترجمه: مرضیه عاشوری

مقدمه و ویرایش: دکتر مسعود فرهنگدفر



انتشارات
سیامرود

سروش‌نامه: برونس، کریستینا ویشر
عنوان و نام پدیدآور: چرا ادبیات؟ به‌سوی رویکردی بدیل در خوانش و
تدریس ادبیات/نویسنده: کریستینا ویشر برانز؛ ترجمه
مرضیه عاشوری؛ مقدمه و ویرایش مسعود فرهمندفر
تهران: انتشارات سیاه‌رود، ۱۳۹۸.

۹۷۸-۶۳۲-۹۶۳۱۷-۲

شناسه افزودن: عاشوری، مرضیه، ۱۳۷۶-، مترجم.
شناسه اف‌بی‌ان: فرهمندفر، مسعود، ۱۳۶۵-، ویراستار.

شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۱

نام کتاب: چرا ادبیات؟ به‌سوی رویکردی بدیل در خوانش

و تدریس ادبیات

نویسنده: کریستینا ویشر برانز

ترجمه: مرضیه عاشوری

مقدمه و ویرایش: دکتر مسعود فرهمندفر

ناشر: انتشارات سیاه‌رود

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه رشتچی، پلاک ۷، واحد ۸

تلفن: ۶۶۹۰۶۷۸۶ - ۶۶۹۰۶۷۴۹

آدرس سایت: siahroudpub.ir ایمیل: siahroud@gmail.com

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات سیاه‌رود محفوظ است. تکثیر یا تولید

مجدد آن (چاپ، فتوکپی، تصویر، صوت و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه

مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

سخن ویراستار	۷
پیش‌گفتار: تعیین موضع مؤلف	۱۱
مقدمه: طرح مسأله و اهمیت آن	۱۶
تحدید مسأله	۲۸
فصل اول: چرا باید ادبیات بخوانیم؟	۳۳
خواندن ادبیات برای آموختن	۳۴
خواندن ادبیات برای لذت بردن	۳۷
تأثیرات گوناگون تجربه‌ی ادبیات: دلیل اهمیت آن‌ها	۴۴
ساز و کار تأثیر ادبیات و اهمیت آن: ادبیات به منزله‌ی ابژه‌ی انتقالی	۵۷
ادبیات، فضای انتقالی و ارتباط فرهنگی	۶۶
فصل دوم: از روی کاغذ تا ابژه‌ای در فضای انتقالی	۷۱
کاربرد سازنده‌ی مطالعه‌ی ادبیات	
خوانش ادبیات و حالت نفس در فضای انتقالی	۷۳
مشاهده‌پذیر کردن اقدامات خواننده	۷۵
استغراق و تأمل: دو اقدام ناسازگار در فرایند خواندن	۹۰
حفظ تنش؛ وابستگی استغراق و تأمل	۱۰۳

فصل سوم: برداشت‌های اخیر از آموزش ادبیات و تأثیر بالقوه آن‌ها بر استفاده سازنده از ادبیات توسط دانشجویان	۱۱۱
آموزش ادبیات به مثابه فعالیت مدرس	۱۱۵
آموزش ادبیات با مشارکت فعال دانشجویان	۱۲۰
فصل چهارم: به سوی آموزش ادبیات همسو با کاربرد سازنده ادبیات	۱۲۵
اصرار آه‌بخش	۱۴۸
ایجاد فضا برای دانشجویان	۱۶۴
ایده‌هایی برای تمرین کاربردی	۱۷۸
منابع	۱۸۵

سخن ویراستار

چرا ادبیات مهم است؟ نویسنده کتاب حاضر، کریستینا ویشر برانز (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه لاگواردیا، نیویورک)، از ادبیات به منزله «تجربه‌ای سازنده» یاد می‌کند. در نظر او، ما ادبیات می‌خوانیم تا از «خود» فراتر رویم، و رابطه چشم‌ساز دیگران شویم، تا بلکه بتوانیم کوتاه‌اندیشی‌های خود را اصلاح کنیم و راهی‌های نجات را التیام بخشیم. وقتی شعر، داستان یا نمایشنامه‌ای را می‌خوانیم، لذت تجربه سازنده خواندن آن تا مدت‌ها با ما می‌ماند. مواجهه با ادبیات بر ما تأثیری گذارد، احساسات ما را برمی‌انگیزد، و ذهن ما را هشیار و حساس نگه می‌دارد.

رویکرد مؤلف به پرسش «چرا ادبیات؟» جالب و بدیع است. او از اهمیت ادبیات در سلامت روانی و اجتماعی بشر می‌گوید، و این که نحوه درست تدریس ادبیات تا چه اندازه می‌تواند ما را در رسیدن به این مهم یاری رساند. ویشر برانز سعی کرده است میان خوانش ساده و خوانش شخصی رابطه‌ای سازنده برقرار کند و نشان دهد که خوانش دانش‌گاه‌آمیز می‌تواند همچون خوانش شخصی لذت‌آفرین باشد و خوانش شخصی هم می‌تواند مثل خوانش آکادمیک ژرف، چندسطحی و روشنگر باشد.

ویشر برانز خلثی را در آموزش ادبیات ملاحظه می‌کند: این که رویکردهای تعلیمی به آموزش ادبیات معمولاً کمتر بر روان‌شناسی اهمیت ادبیات تکیه می‌کنند. او معتقد است که آموزگار ابتدا باید بکوشد هدف و چرایی تدریس ادبیات را برای دانشجو جا بیاورد، زیرا زمانی دانشجو با

لذت به سراغ مطالعه ادبیات می رود که اهمیت و کارکرد آن برایش بدیهی شده باشد و در پس ذهن او تردیدی راجع به این که چرا وقتش را به خواندن ادبیات می گذراند باقی نمانده باشد. دانشجو باید کاملاً توجیه شده باشد که مطالعه ادبیات تجربه ای سازنده و تحول آفرین است. تا زمانی که نتوانیم دانشجویان را به این درک برسانیم، تدریس ادبیات با کامیابی کامل همراه نمی شود.

در زبان کاوی نظریه ای وجود دارد با نام «روابط اُبژه ای»^۱. ما انسان ها در زبان که در بی تصویر مشخصی از «نفس» یا «خود» نداریم و با گذر از کودکی است که گفته رفته به «فردیت» می رسیم. کودک کم کم به وسیله برخی «اُبژه های انتقالی» برای خود تصویری از استقلال خلق می کند و قادر می شود با دنیای سرامرن خود ارتباط برقرار سازد. و این الگویی می شود برای روابط میان فرد و اجتماع. از نظرگاه وینیکات، اُبژه های انتقالی در اینجا روابط اجتماعی سالم نقش مهم ایفا می کنند و فقط مختص کودکان نیستند. فرصت هایی که باعث می شوند ما دوباره به این قلمرو انتقالی تجربه بازگردیم موجب بهبود رابطه «خود» با «دیگری» در محیطی پیوسته در حال تغییر می شود. یکی از این فرصت ها مواضع ادبیات و متون ادبی است که به ما اجازه می دهد برای مدتی وارد فضایی بایینی شویم که در آن می توان به راحتی «خود» را به جای «غیر خود» گذاشت. این امر موجب می شود در موقعیت های واقعی در عالم واقع تعامل بهتری با دیگران محیط پیرامون مان داشته باشیم. به علاوه، آشنایی با ادبیات موجب تقویت احساس مشترک یا هم حسی^۲ می شود. ما با خواندن ادبیات یاد می گیریم خود را به جای شخصیت های دیگر تصور کنیم و سعی کنیم از زاویه دید آنان به مسائل نظر کنیم. این تمرینی است برای زندگی اجتماعی بهتر. پس خواندن متون ادبی می تواند کنشی انتقالی باشد که نیازمند تعامل

بی‌وقفه خود با متن، در میان جهان درون (تخیل) و عالم بیرون (واقعیت)، است. این سازوکار فضای انتقالی است که ادبیات فراهم می‌آورد. خواننده خوب ابتدا خود را در متن ادبی غرق می‌کند، تا از قیدوبند «خود» رها شود، و سپس قدم از «خود» فراتر می‌گذارد تا درباره آن‌چه اینک می‌بیند و تجربه می‌کند تأمل کند. البته ویشر برانز می‌گوید این فرآیند نیازمند آموزش، تمرین و ممارست است، و در این مسیر، نقش مدرس پررنگ می‌شود زیرا باید به اند این دو مرحله (یعنی استغراق و تأمل) را برای دانشجو تسهیل کند. مدرس باید حامی دانشجو باشد و اگر صلاح دانست، با بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی یا طراحی موقعیت‌های کلاسی مناسب، به دانشجویان جهت دهد. مثلاً اگر متنی به لحاظ فرهنگی «دور» از فرهنگ دانشجویان است، مدرس باید راه عمل نمود و پس زمینه فرهنگی متن را برای دانشجویان روشن سازد و فاصله فرهنگی را کاهش دهد.

در کل، ویشر برانز معتقد است که خواندن متون ادبی علاوه بر گسترش دانش ما، به درک ما از خود، شکل می‌دهد و رفتار و سلوک ما را نیز بهبود می‌بخشد. از این رو، آموزش ادبیات به نسل جوان می‌تواند بسیار سودمند و سازنده باشد. درک این کارکرد حساس اما راهگشای ادبیات برای پژوهشگران و آموزگاران ضروری است.